

مجله

۱۳۱۹

از شیکاهو امیک

شماره دهم - ماه رمضان

فهرست مندرجات

- ۱ بیانیه حضرت عبدالبهاء در سئلهٔ تفتی آسمانی
- ۲ نطق باریک حضرت عبدالبهاء در سئلهٔ "نفوذ قوه الهیه"
- ۳ نطق باریک حضرت عبدالبهاء در سئلهٔ اجتماع حواریون حضرت مسیح
- ۴ لوح باریک برای مدیر جریده کریشن کامن ولث ولندون
- ۵ نطق باریک حضرت عبدالبهاء در سئلهٔ "قوهٔ ماوراء الطبیعه در انشا"
- ۶ نطق باریک حضرت عبدالبهاء برای اطفال در نیویورک

Address: Najme Bakhtar, P. O. Box 283, Chicago, Ill., U.S.A.

صفحه اول ۱
 جلد چهارم ۴
 شماره دم ۱۰
 قیمت اشتراك ۱/۲
 اوگت ۲۰

مکتب انبیا

۱۳۲۹

PAGE 1
 VOL. IV
 No. 10
 سالی دوازده قران
 ماه کمال سنه ۷

این مجریه بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل دینی و کجائی بشر و وحدت ادیان و انتشار علوم و فنون از قرن و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهار الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عموی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادراکات قبول و نشر خواهد گردید

مکتب انبیا

بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در هوش انبیا در نیویورک بعد از ظهر ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ برای بی شیبج

من نطق کریم و همه سرور بودند چه قدر فرق دارد لذا من بجان و دل شما ها را دوست دارم و میخواهم سو تقاضی که میانه ملائحت و غربت بر طرف شود تا کل محبت تمامه بیکدیگر پیدا کنیم و مدنیت آسمانی ترویج نمایم امیدوارم چنانکه توفیقی حاصل شود که کل متحد شویم • • • • •
 [عرض کرد ما حاصل کسی از شرق یا چنین قوه و مقصد غنیمی بغرب نیامد
 لهذا بی نهایت مامنون و مشکرم]

« المحدثه ترقیات مادیه در این بلاد حاصل است و کمن مدنیت مادیه تنها کفایت نکند زیرا ترقیا مادیه قوه دنیایت و توپ کروی ایجاد نماید آلات حرب را زیاد کند خیر و شر را هر دو ترقی میدهد جمیع این خونریزها و آلات جنگ و حرب از نتائج مدنیت مادیات هر گاه این مدنیت مادیه بمدنیت الهیه منضم شود آنوقت کامل گردد صندوق چوپای سابق مانع از دزدها میشود اما حالا صندوقهای آهنی مانع نمیشود پس از این مدنیت مادی چنانچه خیر پیش میاید شر هم پیش میاید مگر آنکه مدنیت زمینی بامدنیت آسمانی توأم شود مدنیت مادی بمثابه جسم انسان است اگر منضم بروح شود حیایابد و الا جیفه نیت و متعفن میشود »

نفوس فوق الهیه

لنطق مبارک حضرت عبدالبهاء در مسئله نفوس فوق الهیه در منزل سترو سنس داج در نیویورک عصر ۱۷ آوریل ۱۹۱۲

خوب مجلسی است قوای مادیه نمیتواند اینگونه نفوس را الفت بخشد در درجه بسوی محبت و اتحاد کشاند تا مجال مثل این سخن منعقد نشده که نفوسی از شرق بیایند و اهل غرب اینگونه بانهایت محبت و یگانگی با آنها معامله و ملاقات نمایند این فقط به يك قوه الهیه حاصل شده است و اینکه حضرت مسیح ظاهر شد در میان شعرب و فرق مختلفه الفت داد در میان یونان و روم و میان و سیران و اجیبیا التهام داد زیرا اختلاف و عداوت بین ان اقولم بدرجه بی بود که

[حضرت بی شب نطقه شکر از این تعلیم قدس نمود] فرمودند « من هم از این جهت بسیار ممنونم که المحدثه کلیای شما آزادات مانند سایر کلیها تعصب نرزد که من در اروپا میدیدم تعصب بعض بود ولی در کلیای شما

حال بود الفت والیام حاصل شود ککن حضرت مسیح نبی الهیه
 کل در قوه متفوق فرمود پس این الفت محبت که حضرت
 به آید الله و بیان ما انداخته میشود مگر بقی الهیه عن قریب
 ملاحظه خواهید نمود که چگونه شرق و غرب دست درآغوش
 شود و علم وحدت عالم انسانی خیمه برافرازد جمع ملل را
 این قوه در ظل خود جمع نماید اسرار برائی و امیرکائی نماید
 نفوس با اسم انگلیزی و جرمنی افتخار نکند و نیسا و عرب
 نماید نشوند جمع ملت واحد گردند چنانکه از هر یک
 سؤال نمائی که تو از چه ملتی گوید؟ ان نام و در نظریات
 به آید الله خادم علم ان نیم بشکر صلح اکبرم
 جمع ملل مله و بیب عالمه و اهل بک و وطن گردند و این نزاع و
 جدال نماید حضرت به آید الله در نقطه ای که مرکز تعصب
 بود ظاهر شد و با وجودیکه ملل و مذاهب مختلفه در نهایت
 بغض و عنادیت بودند خون یکدیگر را میخند چنان اتحاد
 و اتفاق در میان آنها انداخت که با هم در نهایت التیام و الفت
 نهایت اشتیاق و از روشن اینست که روزی با شما ملاقات
 نمایند و بروشوند به بیند قوه به آید الله چه کرده
 امروز عالم انسانی علیل است و علاجش اتحاد عالمات حبش
 به صلح اکبر است و سرورش بوحدت عالم انسانی از فضل
 و عنایت الهی امیدوارم که شما بروح جدید بعوث شوید
 بقوه فی قیام نمائید که الله وحدت عالم انسانی و صلح اکبر محبت
 الهی از این شهر بسیار بر بلاد تاثیر نماید بلکه از این کجا بقطعات
 دیگر سرایت کند زیرا این مملکت خیلی استعداد حاصل
 کرده امیدوارم چنانچه در مادیات ترقیات عظیمه نموده
 قوه روحانی نیز حاصل نماید فیوض الهیه یابد تو جبروتها
 تجدید باشد همه خادم عالم انشا گردند و انتشار فضائل
 انسانی دهند تا انوار مدنیت آسمانی از اینجا به جمع جهان
 بتابد اور شلیم الهی نازل شود و فیض ملکوت احاطه نماید امیدم
 چنانست که در این میدان قوت شدید بنماید زیرا خدا معین شماست
 نصرت روح القدس مؤید شماست و ملائکه ملکوت های

شما یقین است این فیوضات شمارا احاطه خواهد نمود

اجتماع حواریون

نظرم باریک حضرت عبداللها در سئله "اجتماع حواریون
 حضرت مسیح شب ۲۷ جون ۱۹۱۴ لندن در پورت سعید
 در فیاضات جناب آقا میرزا جعفر شیرازی زیر خیمه در هوش سلطانی
 در وقتیکه بیشتر از هفتاد و پنج نفر مسافرین از ممالک شرق
 دور تا دور در میز نشسته و طلعت مبارک میخورد و بالاکبر جالس

بوالله

فی الحقیقه خوب مجلسی است بهتر از این نمیشود حاضرین
 از احبای الهی در کمال توجه الی الله با یکدیگر نشسته اند و
 قلوب در نهایت محبت و الفت و صدور منشرح و جنب
 آقا میرزا جعفر هم میزبان مهربان اینجاری جمع البرین میگویند
 و در قرآن ذکر مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ است یعنی جایکه حضرت
 موسی و یوشع با ششوی بزرگوار "عَمَاءُ مِنْ لَدُنَّا عَمَلًا"
 ملاقات نمودند موقی که ماهی مرده زنده شده و این
 معنی بدیع دارد با عی امیدواریم انشاء الله تأییدات
 غیبیه پایا رسد و اینگونه مجالس گمراه فرام آید در
 عالم وجود این مجالس تا اثرات عظیمه دارد فرس که
 آگاهند پی میبرند که چه آثار و نتایج خواهد داشت
 در کور حضرت مسیح حواریون محفل در بالاکوه
 داشتند که اگر خوب تدقیق شود جمع آنچه بعد واقع
 شد از نتایج آن اجتماع است پس از آنکه حواریون
 بعد از حضرت مسیح متفرق شدند و مضطرب بودند
 مریم مجدلیه سب شد که حضرت را دوباره جمع نمود
 و در امر حضرت مسیح ثابت و راسخ کرد و بانها گفت که چرا
 مضطرب و سگمزدانید؟ امری واقع نشد زیرا

مگر حضرت صیغ میفرمودند که این امر واقع خواهد گردید ولی
 جسم از انظار مستور شد اما حقیقت ساطع و لایع است
 و مصیبتی بر آن وارد نه بلکه این توهم بر جسد مسیح است
 نه روح حقیقی چرا مضطربید؟ و از این گذشته حضرت
 مصائبی داشتند که یک روز آنرا کسی تحمل نتواند سه
 سال تمام یاد در صحرای بودند گاهی بیگانه گذران میکردند
 گاهی خاک زیرین را بالین خویش می نمودند شب هلوچراغی
 جز ستاره ها آسمان نداشت با وجود این زحمت و مشقت
 بی پایان شما را چه بر سر تربیت کرد اگر بوی وفا
 در مشام دارید او را فراموش ننمائید بر لخت نبرد از بد
 آسایش خویش نخواهید اگر اهل وقایع بیاد و ذکر
 او مشغول باشید آیا سزاوار است آن روی تابان را
 فراموش کنیم؟ آیا سزاوار است آن عنایات را از یاد خو
 نمائیم؟ آیا سزاوار است از آن جانفشانی حضرت
 چشم پوشیم؟ مثل سائرین در فکر خوردن و خوابیدن
 باشیم در فکر نعمت و آسایش باشیم چگونه این را فراموش
 گفت که این هیکل مکرم مستور شود و با هوای خود
 مشغول گردیم؟ **باب حضرت مسیح** جمع کرد نهایت
 بالای جبل موشا شد بعد از آنکه آن چند نفر ذکر
 الطاف بی پایان حضرت نمودند گفتند باید دید وفا
 چگونه اقتضا میکند چنان کنیم شبهه نیست که بعد از
 حضرت و فاقبول نمیکند ما اجتناب کنیم بمانند زین مشغول
 کردیم و بحال خویش پردازیم بلکه باید آنچه داریم و ندانیم
 جمع کرد کنیم اولاً از هر چه هست بگذریم نفوسیکه
 تعلق دارند عندنا بخواهند نفوسیکه ندارند تعلق ننمایند
 هیچکس جز فکر او فکری نداشته باشد جمیع افکار را حاضر
 در عبودیت نمایم مشغول نشر نعمات او باشیم و در این دنیا
 کله او بکشیم هم عهد شدند و قرار واقعی دادند و از
 جبل پایین آمده هر یک زیادگان بطرفی رفتند و بخدمت
 ملکوت پرداختند آنچه در کوه حضرت مسیح واقع همه

انتهای آن مجلس بود الی آلام آثارش موجود
 است حال ما هم که در این موقع نشسته ایم با
 کمال روحانیت و الفیتم امیدواریم نتایج عظیمه از
 این الفت حاصل شود * * *

لَوْحٌ مِّبْرَکٌ

این لوح مبارک برای مدیر جریده کریشن کامن ولثا نال شهر

بخواند

ای دوست مهربان بعد از این احتیاط و جمع
 امریکا و شهرهای عظیم اروپا مراجعت بشوق نمودم
 و از این سفر بسیار ممنون و خوشنودم زیرا با نفوس
 محترمی ملاقات نمودم که فی الحقیقه مدار افتخار و عالم
 انسانی هستند فاضل و کامل و مطلع بر حقایق و وقایع
 و خیرخواه عالم انسانی علی الخصوص طالبان صلح عمومی
 سراسر عالم انسانی در این ایام بمرفی زمین متباد و آن
 خونریزی و هدم بنیان الهی و تخریب مدائن و قری
 است و قتل نوز سیدگان عالم انسانی و تبیی اطفال
 و بی سر و سامانی نساء و بچه مصیبتی اعظم از این

و مرض پر خطری بالاتر از این!

ملاحظه کنید که اول حرب دینی بود حال دیگر حرب
 جنسی و حرب وطنی شده هنر حضرت از این نادانی
 و از این خونخواری و از این درندگی!

از محافل باسک که در غرب مجتهد ترویج صلح عمومی
 دیدیم بسیار ممنون و خوشنودم و امیدوارم که آن مجتهد
 روز بروز توسعه یابد تا انوار انکاء عالیه بر جمیع آفاق بتابد
 و وحدت عالم انسانی در شرق و غرب اعلان گردد عالم
 آفرینش آسایش یابد این نفوس محترمه که خادم
 عالم انسانی و ترویج صلح عمومی هستند غریب

کند مانند کوی نورانی از افق انشا طالع و کلام بشوند
 و آفاق را منور نمایند در عصر سابق اعلان حضرت شد
 و در جمیع ممالک عرب تا سپس بنیان جنت گردید الحمد لله
 اقبال عدل و بخشید و طلمات طلعت انزل شد و در این
 قرن نورانی که عالم انسانی رویه بلوغ است یقین است
 که علم صلح عمومی بر جمیع آفاق موج خواهد زد و این
 اساس اعظم بهاء الله است و جمیع بهایان در ترویج
 آن جان فدا نمایند و اموال خویش را مبدول میدارند
 من سه سال است که با وجود ناتوانی در جمیع
 آفاق سفر نمودم شرق و غرب را طی کردم و در هر
 معدی فریاد مردم و در هر محلی ناله و فغان نمودم
 مفرات جنگ را شرح دادم و فوائد صلح عمومی را بیان کردم
 شرف و منقبت عالم انشا را توضیح نمودم و در زندگی و
 خوشحواگی عالم حیوانی را شرح دادم و فساد عالم طبیعت
 را تشریح نمودم و نورانیت عالم انسانی تفصیل دادم ان شاء
 ایدان الهی را واضح و آشکار کردم و تعالیم حضرت بهاء الله
 را اعلان نمودم و اثبات الوهیت بدلائل قاطعه عقلیه
 کردم و حقیقت جمیع انبیاء را ثابت نمودم و حقیقت
 دین که برب حیات عالم انسانی است و مدنیت الهیه
 و نورانیت محض است مدلل و میرهن کردم از جمیع این
 مبادی مقصود ترویج صلح عمومی بود الحمد لله گوشه
 شنوایانم و چشمهای بنیادینم و دل‌های آگاه یافتند
 لهذا انان سفر بسیار نمودم
 و من خیر خواهان عالم انشا و مرجعان صلح عمومی باید
 یک حرکتی خارج العاده نمایند و جماع عظیمه تشکیل
 فرمایند و از جمیع بلاد نفوس مهتمه دعوت فرمایند
 تا این قضیه صلح عمومی را از حیز قول بحیز فعل آرند
 زیرا این امر بسیار عظمت باسانی حصول نیابد باید
 جمیع وسائل تثبیت نمود تا نتیجه حاصل گردد پنجاه سال
 پیش هرگز صلح عمومی نبود استتزاز میشد جا

المدینه بدجهه فی سبین است که هر نفسی تصدیق
 مینماید که این قضیه صلح عمومی روح این عصر است
 و نور این قرن و کمن بعضی اشکالاتی بیان میکنند
 امیدوارم بهمت بزرگواران عالم انسانی که موهبت
 الهی و مصلح عالم هستند در این ایام که در بالقان
 خون بیچارگان ریخته میشود و ناله و فغان تیمان
 بعات آسمان میرسد و آه و این مادری آتش
 سوزان تقلوب انسان میزند بنهایت همت و قوت
 اقدام فرمایند تا این آتش فروخته خاموش گردد
 و عالم آفرینش آسایر یابد و علم صلح عمومی بلند شود
 و خیمه وحدت عالم انسانی نصب گردد و جمیع بشر
 در سایه آن جمع گردند و کوی سعادت ابدیه
 عالم انسانی از افق صلح عمومی در نهایت اشراق
 بدرخشد • عبد البهاء قیاس

قَوْلُهُمَا وَرَأَى الطَّبِيعَةَ انْشَاءً

نطق مبارک حضرت عبد البهاء در رساله "قوة ما وراء الطبيعة"
 در منزل مسترنتفرد حلیز ۱۵ آوریل سنه ۱۹۱۲ در نیویورک

چند روزات من به نیویورک آمدم پیش از این
 بار و پارتم پاریس و لندن را سیاحت نمودم پاریس را
 دیدم مملکتی بسیار مزین است ترقیات مادیه بسیار
 است ولی ترقیات روحانیه بکلی عقب مانده در عصر
 طبیعت متفرقه هر صحتی میدارند شتهی "ناتور"
 میشود هیچ ذکری از خدائیت بسیار تعجب کردم
 دیدم پرورنده دانا همه متفرق عالم طبیعت اند
 در محلی که اکثر مادوت بودند صحبت داشتم گفتم
 جای عجیب است که دانا یان پاریس با آنکه در علوم مادی
 ترقی کرده اند در روحانیات عقب مانده اند با چنین دانا

اینست که مادیون در جمیع جهات مجبور نموده اند انقدر اسم
 که اسم دین باقی است محض تقلیدات نه اینست که از روی
 بصیرت و تحقیق باشد آنچه را که از آباء و اجداد شنیده اند
 معتقد شده اند شما باید فکری بکنید که قوه طبیعتون
 بشکند و آنها را که حای طبیعت اند از میدان در براند
 و این تمشود مگر بهر میان عظمی در عالم دین است لشکری
 که میخاهد میدان برود باید قوه و سلامتی برست آید که
 مقاومت تواند چنین چیزی لانم است
 [عرض کردند که شما آن قوه را دارید] فرمودند :-
 ماد شرقی این قوه را استعمال کردیم جمیع را شکست دادیم
 و آن قوه معرفت الله است و محبت الله است تعالی
 حضرت بها الله است شد اول سلاح مخالفین این
 بود که آنچه مخالف علم است جهالت ما اعلان نمودیم که
 دین مطابق علم است و یکی است و هر سکه ای از سکه
 دینی که مطابق علم نباشد و هم است این سلاح آنها
 شکستیم زیرا آنها میخواستند بگویند دین برخلاف
 علم و عقل است پس جهالت این باب را بر آنهاست
 نمودیم از این قبل بسیار و اعظم از کل قوه محبت الله است
 باین قوه اقبال قلوب فتح شود

چگونه راضی شده اند اسیر طبیعت باشند و عالم الهی
 تا قبل از این بلع الالباب اسیر طبیعت است جمیع کائنات و
 موجودات در تحت حکم طبیعت اند آفتاب این عظمی دریا
 باین عظمی اسیر قانون طبیعت اند و ذره تجاوز از آن
 تو اسیر طبیعت ننماید مگر انسان که قانون طبیعت
 را می شکند بر رویا میماند در هوا پرواز نماید در قعر
 و یا سیر نماید قوه که بر پایه باین عظمی را در نه حاجی
 جبر میکند صوت آزاد را در آلتی مجوس دارد جمیع
 این صنایع و علوم که بقانون طبیعت باید ستور مانند و اسیر
 مکنونه طبیعت است انشا انچه غیب بعالم شهود دارد حکم
 بر طبیعت نماید زیرا انشا شهود دارد و طبیعت ندارد انشا
 قوه عاقله و متفکره دارد طبیعت ندارد پس انشا اعظم است
 اما اگر بگویم انشا جز طبیعت است باید بگویم انشا که جز
 است شعور و ادراک و عقل دارد و طبیعت که کلمات و
 اصل است محروم از این کلمات و فضائل است چگونه میشود
 در جز کالاتی باشد که در اصل نیست پس معلوم شد که در
 انشا یک قوه را و راه الطبیعه موجود است که بان
 قوه قاف است و آن موهبت الهی است لکن در نیویورک
 المحدثه احسان و عاقل است قدر از زیر بار طبیعت
 بیرون رفته اند امیدوارم در این مملکت آباد در این
 قطعه جیمه انوار فضائل عالم انشا جلوه کند محبت الله
 در قلوب انشا باید تا صبح عمومی علم بر افرازد و از اینجا
 سرتیج جمیع عالم نماید

نُطُقُ مِثْلِكَ لِتَرَأَى اَطْفَالَ

نطق مبارک حضرت عیسیٰ علیهما السلام در نیویورک در مجلس
 اطفال فی ۱۴ آوریل ۱۹۱۲ بعد از نوازش و بوسیدن اطفال فرمود
 به ده چه اطفال مبارک هستند خیلی نورانیند در وجود
 انوار محبت الله با همت و حقیقتان دعا میکنم بقول حضرت
 سبح اینها اطفال ملکوتند قلوبشان مثل آینه در زبان اطفال
 است هر گاه قلوب بزرگان مثل اینها بشود خوب است چه قدر
 نورانیند جمیع اطفال قلوبشان نورانی و پاک است هیچ غلغله ندارد
 مانند بزرگان از من دعا میکنم که هر یک شجره مبارک
 شود و ثمرات طیبه بخشند *

[بعد از مجلس عمومی در اطاق علییه تشریف برده چند نفر
 از قیامهای محترم مشرف شدند] فرمودند :-
 شما ملاحظه میکنید لشکری طاعت احاطه کرده دیانت روز
 بروز رو بصفاست و قوای روحانیه رو باضلال و
 قوای مادیه روز بروز غالب اگر چنین بماند اثری از دین باقی
 نمماند باید کاری کرد که قوای روحانیه حاصل شود و روحانیت
 نفوس محفوظ ماند و آن باین ترتیبات تقلیدی نه می شود